

مکتب در امتداد هدایت

در نقد کتاب «مکتب در فرایند تکامل»

با مقدمه حضرت آیت الله سعید علی حسینی میلانی (مد ظله العالی)

www.ketab.ir

غلامحسن محرمی

محررمی، غلامحسین، ۱۳۴۷ - Muharrami, Ghulam Hassan	سرشناسه:
مکتب در امتداد هدایت در نقد کتاب "مکتب در فرایند تکامل" / غلامحسین محررمی؛ با مقدمه سیدعلی حسینی میلانی.	عنوان و نام پدیدآور:
قم: الحقایق، ۱۴۰۱.	مشخصات نشر:
۴۲۸ ص.	مشخصات ظاهری:
۱- ۶۳-۸۵۱۸-۶۰۰-۹۷۸	شابک:
فیفا	وضعیت فهرست نویسی:
کتابنامه: ص. [۳۹۷]-۴۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.	یادداشت:
مدرسی طباطبائی، سیدحسین، ۱۳۲۰ - مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین -- نقد و تفسیر	موضوع:
شیعه امامیه -- عقاید -- تاریخ * -- Doctrines -- Imami Shi'ah History	موضوع:
امامت -- دفاعیه ها -- Apologetic works -- Imamate	موضوع:
علم امام * Knowledge of Imam	موضوع:
عصمت * Sinlessness	موضوع:
حسینی میلانی، سیدعلی، ۱۳۲۶ - مقدمه نویس	شناسه افزوده:
مدرسی طباطبائی، سیدحسین، ۱۳۲۰ - مکتب در فرایند تکامل: نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین. شرح	شناسه افزوده:
۵/۲۱۱BP	رده بندی کنگره:
۴۱۲۲/۲۱۱	رده بندی دیویی:
۸۹۲۶۵۰۱	شماره کتابشناسی ملی:
فیفا	اطلاعات رکورد کتابشناسی:

نام کتاب: مکتب در امتداد هدایت / در نقد کتاب «مکتب در فرایند تکامل»

مؤلف: غلامحسین محررمی

ناشر: الحقایق

تیراژ: ۵۰۰

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۱

شابک: ۱- ۶۳-۸۵۱۸-۶۰۰-۹۷۸

حقوق چاپ محفوظ است.



مراکز پخش:

□ قم: خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۱۶، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۲۷۲۲۰

□ تهران: خیابان پاسداران، خیابان شهید گلنپی، نبش خیابان ناطق نوری، ساختمان زمرد، طبقه دوم، پلاک ۳۳، نشر آفاق، تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۷۰۳۵

□ مشهد: چهارراه شهدا، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، پاساژ گنجینه کتاب، انتشارات نور الکتاب (میلانی)، تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۳۲۲۶۲ ۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶

□ اصفهان: خیابان هاتف، انتهای کوی مشیر، جنب آتش نشانی بازار، مدرسه علمیه محمدیه، مجموعه کتاب محسن،

همراه: ۰۹۱۴۰۳۵۷۳۶۱

www.al-milani.com - پست الکترونیک: info@al-milani.com

ع ۲۱۱

مقدمه حضرت آیت‌الله سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه)..... ۱۱

مقدمه مؤلف..... ۱۷

فصل اول

نقد مقدمه کتاب / ۲۱

۱. شبهه تقدیم فهم مردم عصر حاضر بر فهم گذشتگان..... ۲۳

۲. بزرگ‌نمایی اختلاف نظر دو مکتب فکری کوفه و قم..... ۲۵

۳. تحقیر علمای گذشته و مساعی آنان..... ۲۶

۴. تهمت نبود آزادی نظر در فرهنگ شیعه..... ۲۸

۵. تعمیم برخی موارد جزئی به کل فرهنگ شیعه..... ۲۹

۶. القای تأثیرپذیری علما از عامه مردم..... ۳۴

۷. کشف تدریجی معارف دینی مانند علوم مادی..... ۳۶

فصل دوم

نقد بخش اول / ۳۹

۸. محدودیت تشیع به گرایش سیاسی در قرن اول و جنبه معنوی آن بعد از عصر امام باقر علیه‌السلام ۴۱

۹. تصریح به عدم آشنایی اصحاب امام باقر با مفهوم منصوص امامت..... ۵۳

۱۰. القای حتمی بودن وجود فرقه کیسانیه ۷۰
۱۱. شبهه محدود کردن پیشینه تشیع به عصر عثمان ۷۲
۱۲. مساوی انگاشتن امامت با قیام ۷۴
۱۳. پایه‌گذاری اصل عصمت توسط هشام بن حکم و نظریه علمای ابرار ۷۸
۱۴. شبهه در روایات محور و قطب عالم آفرینش ۹۸
۱۵. تعمیم دادن اعتقاد گروهک واقفیه به همه شیعیان معاصر امام کاظم علیه‌السلام ... ۱۰۴
۱۶. انکار پیشینه خمس پیش از عصر امام هادی ۱۲۰

فصل سوم

نقد بخش دوم / ۱۲۹

۱۷. داستان نفوذ مفوضه از زمان امام صادق علیه‌السلام به بعد ۱۳۱
۱۸. القای حتمی بودن وجود سبائیه و کیسانیه ۱۴۵
۱۹. نسبت اعتقاد به علم غیب ائمه به غلات ۱۵۲
۲۰. نسبت عقاید شیعه به مفوضه ۱۵۸
۲۱. نسبت نقل اخبار خلقت نوری امامان به مفوضه ۱۶۱
۲۲. انکار اعتقاد به واجب‌الاطاعه بودن ائمه در میان شیعه ۱۶۵
۲۳. ارائه نظریه علمای ابرار درباره ائمه ۱۷۷
۲۴. خلط بحث درباره منابع علم ائمه با اختلاف درباره امام ۱۸۳
۲۵. نسبت رد صفات فوق بشری ائمه به علمای قم ۱۸۵
۲۶. پیش بردن تاریخ وجود مقصره ۱۸۷
۲۷. اثبات وجود جریان مفوضه در عصر امام عسکری با روایتی جعلی ۱۸۹

۲۸. ادعای وجود تشنّت داخلی در میان شیعه در عصر غیبت صغری..... ۱۹۴
۲۹. استفاده از دو حدیث ضعیف بر وجود مقصره..... ۱۹۸
۳۰. استناد وجود مقصره در عصر امام هادی با سخنی از خصیبه..... ۱۹۹
۳۱. ادعای وجود روایات مفوضه در میان میراث شیعه..... ۲۰۱
۳۲. استناد به شهادت ثالثه برای وجود مفوضه..... ۲۰۵
۳۳. ادعای ضعف احادیث کافی..... ۲۰۷
۳۴. ادعای جعل معجزات توسط مفوضه..... ۲۰۹
۳۵. اتهام طرف‌داری از غلو به علمای شیعه..... ۲۱۴
۳۶. حافظ رجب برسی و گروه شیخیه دلیل وجود غلو در میان شیعه..... ۲۲۰

فصل چهارم

نقد بخش سوم / ۲۲۵

۳۷. بزرگ‌نمایی اختلاف برخی بنی‌هاشم در میان شیعه..... ۲۲۷
۳۸. بزرگ‌نمایی فرقه ناووسیه..... ۲۲۹
۳۹. تقویت ادعای اسماعیلیه درباره نص بر امامت اسماعیل..... ۲۴۱
۴۰. نسبت بداء به فرقه کیسانیه..... ۲۴۸
۴۱. بزرگ‌نمایی ادعای فرقه فطحیه..... ۲۴۹
۴۲. بزرگ‌نمایی ادعای فرقه واقفیه..... ۲۵۴
۴۳. بزرگ‌نمایی جریان سید محمد..... ۲۶۱
۴۴. نسبت دروغ، تمرد و تردید به جامعه شیعه عصر امام حسن عسکری علیه‌السلام..... ۲۶۶
۴۵. بزرگ‌نمایی کار فارس بن حاتم..... ۲۷۸

۴۶. القای ضعیف بودن نص بر امام زمان ۲۸۱
۴۷. القای شبهه شباهت صدای امام زمان عجل الله تعالی فرجه به نبیره جعفر کذاب ۲۸۴
۴۸. بزرگ‌نمایی اخبار شاذ در ولادت امام زمان ۲۸۷
۴۹. بزرگ‌نمایی اختلاف بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام ۲۹۴
۵۰. بزرگ‌نمایی اختلاف در بیت امامت ۳۰۰
۵۱. بزرگ‌نمایی طرفداران جعفر ۳۰۷
۵۲. القای شبهه انحصار نقل روایات غیبی به واقفیه ۳۱۱
۵۳. تشکیک در وکالت عثمان بن سعید عمری ۳۲۲
۵۴. تشکیک در توقیع ۳۲۴
۵۵. بزرگ‌نمایی مشکلات عصر حیرت ۳۲۸
۵۶. رد نقل حدیث دوازده امام توسط علمای شیعه قبل از اوایل قرن چهارم ۳۳۸
۵۷. تضعیف احادیث دوازده امام در کتاب بصائر الدرجات ۳۵۹
۵۸. رد انتساب کتاب سلیم به سلیم بن قیس هلالی ۳۶۳
۵۹. تضعیف احادیث دوازده امام در اصل ابی سعید عصفوری ۳۷۲
۶۰. تضعیف احادیث دوازده امام در تفسیر قمی ۳۷۵
۶۱. تضعیف احادیث دوازده امام در محاسن برقی ۳۷۷
۶۲. عدم آشنایی صحابه ائمه با احیث دوازده امام ۳۷۸

فصل پنجم

نقد بخش چهارم / ۲۸۱

۶۳. شبهه عدم رواج مباحث کلامی در میان جامعه شیعه در قرن دوم هجری ۳۸۳

مقدمه حضرت آیت‌الله سید علی حسینی میلانی (دام ظلّه)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وآله الطاهرين لا سيما بقية الله في الأرضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

مبانی فکری تشیع از روز اول، قرآن و سنت و عقل سلیم، یعنی همان مبانی دین مبین اسلام بوده، چون تشیع چیزی غیر از اسلام نیست، و مکاتب دیگر هستند که باید انتساب خود را به اسلام ثابت کنند، و در مکتب تشیع هیچ یک از مسائل نظری و عملی خارج از مبانی یادشده نیست، و هر اعتقادی یا فتوایی که به این مبانی مستند نباشد مردود است.

کتاب (مکتب در فرآیند تکامل) به عنوان «نظری بر تطور مبانی فکری تشیع در سه قرن نخستین» نگارش شده، ولیکن اختصاص به مسئله «امامت و ولایت» یافته، و در این کتاب هیچ گونه استدلالی برای اثبات مدعا به کتاب و سنت و عقل دیده نمی‌شود، بلکه هدف نویسنده جدا کردن تشیع از کتاب و سنت و عقل است.

کتاب (مکتب در امتداد هدایت) - که شاید کامل‌ترین کاری است که تاکنون در نقد کتاب مذکور انجام شده - آمده تا ثابت کند مکتب تشیع مکتبی است لایتغیر، چون کتاب و سنت و عقل لایتغیر هستند، این مکتب اعتقادات و اقوال اشخاص نیست، و پیروان این مکتب غلات و مفوضه نیستند.

و از این جانب خواسته شده مقدمه‌ای بر این کتاب بنویسم، بنده عرض می‌کنم:

ما با آقای مدرسی طباطبایی رفت و آمد داشتیم و به بنده لطف داشت و احترام می گذاشت، و وقتی به خارج از کشور رفت این ارتباط قطع نشد. به یاد دارم وقتی در جلسه‌ای گفته شده بود که رسول الله صلی الله علیه و آله به جز اهل بیت علیهم السلام، فلان و فلان را نیز برای مباحله آورده بودند، در تلفن از حقیقت امر سؤال کرد. و نیز در یک تماس دیگر سؤال کرد که منظور محقق در شرائع از «أشبه بأصول المذهب» چیست؟ وهكذا.

مدتی گذشت تا ایشان را در قم دیدم، کتاب (مکتب در فرآیند تکامل) را به بنده داد و با خنده گفت: خواهش می‌کنم تکفیرم نکنید. من هم با خنده گفتم: تا تکلیف شرعی‌ام چه باشد.

کتاب را خواندم و خیلی متعجب شدم، شخصی را که می‌شناختم چنین نبود، القاء شک و شبهه در مبانی تشیع؟! همان مبانی اعتقادی که دائم از او می‌شنیدم و گفت و گو می‌کردیم؟! در این چاپ مقدمه‌ای وجود نداشت، بعداً شنیدم که در نسخه انگلیسی کتاب مطالبی نوشته که در ترجمه نیامده^۱. در انتظار بودم که او را در قم ببینم و صحبت کنم، اما ارتباط از جانب او قطع شد و دیگر ایشان را ندیدم.

هرچند در جامعه کم نیستند کسانی که فاقد تخصص هستند و از هر حرف شا‌دی به عنوان نوآوری، مخصوصاً با ادبیات جذاب، استقبال می‌کنند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند، ولیکن این کتاب در محافل علمی حوزه علمیه حتی در بین افراد به اصطلاح روشن فکر مورد نقد قرار گرفت.

او که می‌دانست حرف‌های بی‌اساس و مطالب خلاف واقع نوشته، و از انتقادات دانشمندان حوزوی و دانشگاهی دارای تخصص در تاریخ اسلام و تشیع باخبر شده بود،

۱. عین عبارت اقرار او به این معنی خواهد آمد.

متأسفانه مصداق آیه مبارکه ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾^۱ گشت و کتاب خود را با مقدمه‌ای طولانی تحت عنوان «حکایت این کتاب» در سال ۱۳۸۶ ش منتشر کرد و درصدد توجیه انظار خود گردید.

وی پس از اینکه «نیروهای اهریمنی جهانی و منطقه‌ای» را به «زشت‌نمایی چهره تشیع و پیروان آن» توصیف می‌کند، و اینکه «پرچم نبرد در این جبهه از آغاز بر دوش گرایش عقیدتی خاص در جهان اسلام بود» که البته منظورش «وها بیت» است اما نمی‌داند چرا تصریح نکرده! می‌گوید:

«فکر نگارش این کتاب در سال‌های پایان دهه شصت در چنین زمینه به‌عنوان تلاش در ارائه یک تحلیل قابل عرضه‌تر از مکتب تشیع در مجامع علمی شکل گرفت. در تصویری که این کتاب ارائه می‌داد، هسته اصلی تشیع اعتقاد به مرجعیت علمی اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در معارف اسلامی بر اساس حدیث ثقلین و نصوص دیگر بود، که البته با اعتقاد مستحکم به احقیت امیرمؤمنان و فرزندان او در رهبری جامعه همراه بوده، ولی با تقدیس افراطی‌ها و باورها و سنت‌های پیش از اسلام مناسبتی نداشته است».

چه خوب گفت استادم که هر کتابی را که خواستی مطالعه کنی، اول مقدمه کتاب را به دقت بخوان و فهرست را نگاه کن. با خواندن این چند خط فهمیدم چرا چاپ سال ۱۳۷۵ بدون مقدمه منتشر شد؟ و غرض از نگارش این کتاب چیست؟ و تا چه حد نویسنده عوض شده؟. او که می‌گوید دشمنان به فکر «زشت‌نمایی چهره تشیع و پیروان آن» هستند، در خدمت دشمنان قرار گرفته، هم چهره تشیع را بد تعریف کرد و هم چهره «پیروان» آن را!

لطفاً دقت کنید:

او که در این کلام به (حدیث ثقلین) اعتراف کرده، آیا نمی‌داند این حدیث چه دلالتی دارد؟

این حدیث «نص» است بر «امامت اهل بیت»، و دلالت روشن بر «عصمت» آنان دارد، و به همین جهت «مرجعیت علمی در معارف اسلامی» را دارا هستند. پس هسته اصلی اعتقاد شیعیان «نص» و «عصمت» است.

شیعیان نمی‌گویند «احقیت» امیرمؤمنان و فرزندان او در رهبری جامعه، بلکه شیعیان - به مقتضای آیات قرآن مجید و همین حدیث ثقلین، حدیث غدیر، حدیث منزلت و نصوص دیگر - می‌گویند رهبری جامعه در امیرمؤمنان و فرزندان او «تعیّن» دارد، و آن حضرات به جهت هدایت امت «منصوب» از سوی خدا هستند.

خوب بود مؤلف توضیح می‌داد منظور از «تقدیس افراطی و باورها و سنت‌های پیش از اسلام» چیست؟ در کدام کتاب از منابع معتبر مذهب تشیع «تقدیس افراطی» آن هم با «سنت‌های پیش از اسلام» وجود دارد؟

آقای مدرسی در همین جا (صفحه ۱۱) می‌گوید:

«تفسیری که دشمنان تشیع از دیرباز مطرح می‌کردند و آن را نوعی گرایش باطنی می‌دانستند... و نظراتی مشخص در مسائلی مانند تحریف قرآن و سب صحابه و طبیعت فوق بشری امامان و طینت و بدا و امثال آن که جزء ذاتیات لاینفک تشیع بود».

باید بگوییم ایشان از زمانی که به خارج از کشور رفته عوض شده! بگذریم از آنچه در این کلام آمده، خود او با توجه به روایات کیفیت تدوین قرآن در کتب عامه، تمایل به تحریف قرآن داشت، خود او سب صحابه می‌کرد، فراموش نمی‌کنم وقتی کتاب (الأحادیث المقلوبة في فضائل الصحابة) را به او دادم گفت: این‌ها «صحابه» نیستند،

«قحابه» هستند! او به مفاد و مقتضای (حدیث نور) که در کتب فریقین روایت شده اعتقاد داشت.

کلام او در صفحه ۱۲ - که می گوید: «این اثر... اما به خاطر خواستگاه فرهنگی خود ناچار بود که اصول موضوعه و ذهنیت‌ها در حوزه‌های اسلام‌شناسی غربی را در نظر داشته باشد تا بتواند در آن مجامع توفیق قبول یافته... اصل انگلیسی کتاب بدین گونه بیست سالی پیش از این برای حال و هوایی دیگر و در پاسخ به نیازی در شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی خاص تدوین شده بود» به طور آشکار «عوض» شدنش را بیان می کند. اما او در آخر صفحه ۱۳ به عوض شدن خود تصریح می کند، او می گوید: «طبعاً هر پژوهشگری خود در گذشت زمان، بسیاری از نظرات خویش را تعدیل می کند... تا آخر». شاید در خوش بینانه ترین توهیف گفته شود: او از محیط علمی غرب متأثر شده و به خیال خود خواسته تشیع را به طوری که آن‌ها می پسندند و دیگر مورد تهاجم «وهابیت» نباشد عرضه کند، اما تا چه اندازه می شود خوش بین بود؟ آیا این «تعدیل» به قول خودش در قم - که مرکز بحث‌های علمی و موطن بزرگان دینی است - امکان نداشت؟ آیا اگر حسن نیت در کار بود نباید «تعدیل» را با کسانی که خود قبول دارد در میان می گذاشت و سپس منتشر می کرد؟

او از صفحه ۱۴ به بعد تلاش می کند که این عوض شدن را که «تعدیل» می نامد به طرق مختلف توجیه کند، اما متأسفانه نه فقط موفق نبوده بلکه به قول عرب «زاد فی الطین بلّة» و به قول عجم «عذر بدتر از گناه» آورده، که جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای دکتر محرمی به خوبی پاسخ داده‌اند، و از ایشان - که یکی از اساتید برجسته و محققین ارجمند حوزه و دانشگاه هستند - خواسته‌ام با نظر دقیق و تحلیل تاریخی، موارد مهم و نقاط ضعف اساسی کل کتاب را بیان کنند تا حجت بر همگان تمام شود.

در خاتمه تذکر چند نکته را لازم می دانم:

اولاً: پایه و اساس اعتقاد مذهب تشیع امامت امیرمؤمنان علیه السلام است، و این اعتقاد که در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در بین جمعی از صحابه وجود داشته به کتاب و سنت و عقل مستند است، و از این منابع عصمت و اعلیت و افضلیت اهل بیت علیهم السلام به اثبات می رسد.

ثانیاً: هیچ گاه اقوال علما مستند عقاید نبوده، پس اگر نظری از فردی از اصحاب ائمه یا بزرگان علما نقل شود، الزاماً تشیع نخواهد بود، و چنانچه در داخل تشیع کسی که جامع بین علمیت و تقوی بوده نظر خاصی برخلاف مشهور ارائه کند، هرچند او مورد احترام است، اما قول او مردود خواهد بود.

ثالثاً: اغلب مطالب کتاب (مکتب در فرایند تکامل) در کتب بعضی از نویسندگان وهابی دیده می شود؟!

رابعاً: جوانان عزیز فکر نکنند هر طرح جدیدی قابل قبول است، در طول تاریخ تشیع، افرادی از داخل، حوزوی و غیرحوزوی، حتی از ذریه خود اهل بیت، نظراتی از خارج گرفته و خواسته اند وارد مکتب کنند، که البته بعضی از آن ها سوءنیت داشته اند، ولیکن مکتب با عنایات امام عصر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه پابرجا مانده است ﴿يُرِيدُونَ لِيُظْفَرُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾.

خامساً: نویسندگان مواظب باشند در دام اجانب واقع نشوند و به یاد داشته باشند که خدای تعالی می فرماید: ﴿قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبْتُ أَنْيَدِيهِمْ﴾ و گویندگان را نیز برحذر می دارم و باید بدانند که ﴿مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علی الحسینی المیلانی

۱۳۳۳ ق ۱۲۰۱ ش